

تفاوت مسیر لعنت و مسیر نصرت

علیرضواکیلی ارد تحلیل‌های نظامی، همیشه‌سخن از «متحدان استراتژیک» به میان می‌آید. اما رهبر حکیم و شهید مادر تحلیلی‌مقیق تر، پرده از تنهایی مطلق جبهه استکبار برمی‌داشتند. ایشان با نگاهی نافذ، تأکید می‌کردند که وقتی دشمن، آشکارا پرچم فساد، فتنه و طمع ورزی به ثروت ملت‌ها را به دست می‌گیرد، درحقیقت قدم در «راه شیطان» گذاشته است و راه شیطان، بن بست است که هیچ متحد واقعی و نصرت‌کننده‌ای در پایان آن وجود ندارد. (شاید درظاهر کسانی همراه آن‌ها باشند اما در زمان نیاز فقط به منافع خود توجه می‌کنند نه به تعهدات و پیمان‌های بسته شده). قرآن کریم سرنوشت محتوم جبهه باطل را با صراحت تمام، چنین بیان می‌فرماید: «وَأُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا» آن‌ها کسانی هستند که خداوند لعنتشان کرده (و از رحمت خود دور ساخته) است و هر که را خدا لعنت کند، هیچ یابوری برای او نخواهی یافت. (سوره نساء: ۵۲). این آیه، متر و معیار پیروزی در نبرد امروز ماست. طبق تبیین آن رهبر فرزانه، «لعنت الهی» به معنای بریده شدن از منبع قدرت و اقتدار در مسیر فروپاشی است. دشمنی که برای غارت و جنگ افروزی به میدان آمده است، شاید در ظاهر از فناوری و بودجه‌های کلان برخوردار باشد، اما طبق «تفسیرالمیزان»، از آنجا که حرکتش برخلاف سنت‌های تکوینی عالم است، در لحظه نیاز، هیچ «نصیر» و یاری‌کننده حقیقی‌ای نخواهد داشت. درمقابل، ملتی که برای حق و دفاع از داشته‌های خود ایستاده، به «خداوند عزیز و حکیم» متصل است، قدرتی که ان‌شاءالله ما را به مقصود نهایی و پیروزی قاطع خواهد رساند. جبهه باطل در اوج تجهیزات، مانند «کاخ ساخته‌شده بر روی آب» است؛ برزخ ورق‌ها اما فاقد فونداسیون و تکیه‌گاه. درمقابل، جبهه حق حتی با دستان خالی، به «کوه توکل» تکیه دارد. تفاوت ما با دشمن در این نبرد، در داشتن «نصیر» است؛ آن‌ها در میان لایه‌های لعنت الهی، تنها مانده‌اند و ما در سایه رحمت او متحد شده‌ایم.

صداقت در میدان؛ شرط نصرت الهی

حسین ابراهیمی! در فرازهایی از خطبه ۵۶ نهج البلاغه، امیرالمؤمنین^(ع) تصویری شفاف از رابطه میان «صداقت در مسیر خدا» و «یاری الهی» ترسیم می‌کند. ایشان از دوران سخت نخستین جهاد می‌گویند: روزگاری که مسلمانان، پدران، فرزندان و عموهای خود را در راه حق می‌کشتند. این کار نه از روی بی‌مهری، بلکه از سر ایمان، تسلیم و راستی در عمل بود. آن‌ها در میدان نبرد همچون شیرانی بودند که برای جام شهادت با دشمن گلاویز می‌شدند. در آن شرایط، ظفر همیشه با مؤمنان نبود؛ «یک بار ما بر دشمن پیروز می‌شدیم و یک بار دشمن بر ما». اما تفاوت در این بود که آنان از شکست‌های موقت، راهی برای بازگشت به نادرستی نمی‌یافتند، صادقانه می‌ماندند و خداوند چون «راستی ایشان را دید» - نه صرفاً پیروزی ظاهری‌شان - یاری خود را فر فرستاد تا اسلام «همانند شتری که سینه و گردن بر زمین نهد»، استقرار یابد.

نکته کلیدی آن است که نصرت الهی، پاداشی برای موفقیت‌های زودگذر نیست، بلکه نتیجه صداقت در مسیر است، حتی در میانه شکست‌ها. درمقابل، حضرت هشداری می‌دهد اگر مسلمانان بعدی، رفتاری مانند آنان در ابتدای اسلام نداشته باشند، «پایه‌ای از بنای اسلام برپا نمی‌شد». یعنی اگر صداقت نباشد، جهاد تنها به نمایشی بی‌نتیجه بدل می‌شود. امروز نیز این اصل برقرار است: نصرت الهی با مکتور و نیرنگ به دست نمی‌آید، بلکه با صداقت در عمل، صبر بر آلام و استقامت در راه راست حاصل می‌شود. اگر از صداقت فاصله بگیریم، به فرموده امام علی^(ع)، «به جای شیر، خون خواهید دوشید» و سرانجام پشیمان است. صداقت در مسیر خدا، خود بستری برای نصرت است؛ نه وعده‌ای صوری، بلکه قاعده‌ای حتمی در نظام ربوبی.

روایتی از رهبری که شناخته‌ایم

اعتراف می‌کنم که همیشه کتاب‌هایی را که درباره شخصیت رهبر شهید انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، نوشته می‌شود، با شک و تردید ورق می‌زنم. اکثرشان یا در دام تکرار افتاده‌اند یا در ورطه کلیشه‌های مرسوم. اما «از نیمه خرداد» از همان صفحه نخست، راه دیگری می‌رود. شروعش خلافانه است و مسیرش متفاوت؛ گویی مصطفی غفاری به جای آنکه پشت تربیون بایستد، چراغی به دست گرفته است و ما را به تماشای لایه‌های پنهان یک اندیشه دعوت می‌کند.

بگذارید بی‌رودریاستی بگویم؛ این کتاب یکی از بهترین آثاری است که درباره شخصیت و سازوکار ذهنی رهبر شهید انقلاب منتشر شده است؛ نه به خاطر تعریف و تمجیدهای مرسوم، بلکه به خاطر جرئت نویسنده در فهمیدن اواز تصویر یک سخنران زبردست عبور می‌کند و ما را با مهندسی روبه‌رو می‌سازد که برای هر کنشش، منطقی منسجم دارد، منطقی که ریشه در همان نیمه خرداد تاریخی دارد.

اما حقیقت تلخی هست که نمی‌توانم پنهانش کنم: غربت این حکیم، هرچه کتاب را بیشتر ورق می‌زد، این حسرت در دلم عمیق‌تر می‌شد که کاش توانی می‌داشتم و می‌توانستم این روایت شفاف را از گوشه کتابخانه‌ها بیرون بکشم و پیش چشم همه بگذارم. کاش می‌توانستم نشان بدهم آنچه از رهبری او در رسانه‌های بینیم، فقط نوک کوه یخی است که «از نیمه خرداد»، نقشه کاملش را ترسیم کرده است.

نمی‌توانم بگویم این کتاب کامل است یا همه حرف‌زاده. اما می‌توانم قسم بخورم که صادقانه‌ترین تلاش برای شکافتن پوسته ضخیم کلیشه‌هاست.

نشر نهضت نرم‌افزاری با این ۲۹۶ صفحه، پنجره‌ای رویه فهم رهبری گشوده است که تا پیش از این، کمتر کسی جسارت نزدیک شدن به آن را داشت.



نخستین پایگاه مقاومت اجتماعی

قرآن کریم، خانواده را محل سکون و محبت معرفی می‌کند؛ همان نقطه‌ای که انسان از آن نیرو می‌گیرد تا جهان بیرون را بهتر بسازد. خود خدا در قرآن وعده داده است که مودت و رحمت را در دل خانواده قرار می‌دهد: «وَجَعَلْ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» (روم/۲۱) ضرورت وجود مودت در شرایط سخت، بیشتر خودش را نشان می‌دهد و به «سرمایه آرامش» تبدیل می‌شود. ایمان و همراهی خانواده‌ها، می‌تواند آسیب‌های روانی جنگ را کاهش دهد؛ چون در نگاه اسلام، خانه تنها محل استراحت نیست؛ محل احیای امید است. هر خانه‌ای که در آن همدلی، گفت‌وگو و حمایت متقابل جاری باشد، نیرویی به اعضایش می‌دهد که بیرون از خانه نیز باصلابت و نشاط حاضر شوند.

برپایی آیین همدلی

طبق توصیه رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای که فرمودند: «از کمک و یاری به یکدیگر فروگذار نکند». بحمدالله خصلت همیشگی بیشتر ایرانیان جز این نبوده و انتظار می‌رود که در این روزهای خاص که طبعاً بر بعضی از آحاد ملت سخت‌تر از بقیه می‌گذرد، این مطلب جلوه بیشتری داشته باشد، یکی از کارهای جهادی خانواده‌ها در این روزها، می‌تواند همین کار باشد: کمک به کسانی که در شرایط جنگی آسیب دیده‌اند. این روحیه خدمت به خلق را که در نگاه اسلام بسیار تأکید شده است، در نسل و فرزندانمان نهادینه کنیم. حضرت رسول اکرم^(ص) می‌فرمایند: «هر مسلمانی که به گروهی از مسلمانان خدمت کند، خداوند متعال به تعداد آنان، خدمتگزارانی را در بهشت به او عطا خواهد کرد.»

در این روزهای حساس و مهم چگونه روحیه جهادی را در خانواده بسازیم؟

خانواده؛ پناهگاه و مرکز انرژی جهادی

گزارش

سمانه رضوانی | وقتی جامعه در وضعیتی دشوار مثل جنگ قرار می‌گیرد، مخصوصاً جنگ این روزها که تقابل حق و باطل بسیار آشکار است و تلاش برای تقویت جبهه حق لازم و ضروری، خانواده باید به «پناهگاه و مرکز انرژی جهادی»، تبدیل شود؛ جایی که نه ترس معنا دارد و نه ناامیدی، بلکه ایمان، مسئولیت‌پذیری و همراهی اعضا، نیرویی می‌سازد که هم زندگی را زیباتر می‌کند و هم جامعه را سرپا نگه می‌دارد؛ مثل همین شب‌هایی که مردم با پرچم ایران در خیابان حضور دارند، همه ما این روزها فهمیدیم که جهاد فقط میدان‌های نظامی نیست؛ گاهی در خیابان، در دل آرام‌سازی، همدلی و یاری رساندن به دیگران، روحیه مجاهدانه‌ای شکل می‌گیرد که نشاط و امید می‌آفریند و جامعه را مقاوم‌تر می‌سازد.

تقویت ایمان و معنویت از راه تجربه

انسان وقتی خبر را می‌بیند، آمیذش به خدا بیشتر می‌شود؛ مثل روایت حضرت رسول اکرم^(ص) که می‌فرمایند: «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ» بهترین مردم، کسانی‌اند که بیشتر به مردم سود برسانند. این اثرات، نشاطی ایجاد می‌کند که حتی شرایط سخت هم نمی‌تواند آن را از بین ببرد. راهکارهای عملی برای تبدیل فضای خانه به محیطی جهادی و پرنشاط؛ چند اقدام ساده اما عمیق، می‌تواند خانه را به منبع انرژی و امید تبدیل کند؛ برنامه‌ریزی خانوادگی برای کارهای خیر کوچک اما مستمر مثل دیدار با خانواده شهید، کمک به جبهه مقاومت و تهیه بسته‌های کوچک برای کسانی که شرایط جنگی باعث بیکاری یا کم‌درآمدی آن‌ها شده است، اثرات زیادی دارد.

ایجاد نشاط در خانواده با فعالیت جهادی

نشاط خانوادگی، شادی‌های ظاهری مثل خندیدن و... نیست، بلکه حاصل تجربه‌های مشترک، احساس تأثیرگذاری و باهم بودن است. فعالیت‌های جهادی خانوادگی چند اثر مهم دارند،

ایجاد حس ارزشمندی در بین اعضا؛ اینکه هر فردی حس می‌کند نقشی دارد و اثرگذار است، بزرگ‌ترین منبع نشاط است؛

تقویت هم‌بستگی عاطفی؛ کار کردن کنار هم، برای یک هدف مشترک و مقدس، افراد را به هم نزدیک می‌کند، حتی اگر یک کار ساده مثل کمک مالی به خانواده‌های آسیب دیده جنگ باشد،

کاهش اضطراب‌های جمعی؛ وقتی خانواده در میدان کمک و ساختن حاضر است، سطح ترس ناخودآگاه کاهش می‌یابد؛ چون انسان‌ها در اقدام، آرامش می‌یابند نه در سکون؛

ایجاد هویت مشترک مثبت؛ این احساس که «ما باهم هستیم» و «باهم می‌سازیم» هویتی می‌سازد که امید را پایدار می‌کند.



لاته‌نوا؛ رمز پیروزی

پایان جنگ و آمادگی در برابر فریب دشمن

حامد میرزاخان
عضو مجمع نمایندگان طلاب و قضایای حوزه علمیه قم

درباره پایان جنگ باید گفت که جنگ هنوز پایان نیافته است. این توافق اولیه، صرفاً فرصتی دوهفته‌ای برای مذاکره است و نباید منجر به غفلت و کاهش آمادگی نیروهای مسلح شود. ممکن است این اقدام، فریبی برای ایجاد غافلگیری مجدد، ایجاد تفرقه در میان مردم یا صرفاً فضایی برای تجدید قوا باشد.

در قرآن کریم آمده است: «وَإِنْ يُرِيدُوا جِدَاعَكَ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ كَانَ عَلَيْكَ حَاسِبًا». و اگر قصد فریب تو را داشته باشند، خدا برای تو کافی است. (النساء: ۱۰۶) این آیه یادآوری می‌کند که همواره باید در برابر فریب دشمن، هوشیار بود و به خداوند توکل کرد. **انتقام خون شهیدان؛ فراتر از سیلی اولیه** انتقام خون شهیدان، به‌ویژه شهید قائد امت رهبر معظم انقلاب و سردار سلیمانی، تنها به یک سیلی محدود نمی‌شود. خروج آمریکایی‌ها از منطقه، رسمیت یافتن ایران به عنوان یک قدرت جهانی و رفع تحریم‌ها، مقدمات لازم برای انتقام اصلی و تحقق تمدن نوین اسلامی را فراهم می‌آورد.

رهبر شهید انقلاب، حضرت امام خامنه‌ای^(ع)، فرمودند: «خروج آمریکایی‌ها از منطقه، شرط لازم برای نابودی اسرائیل و تحقق تمدن نوین اسلامی است.» این فرمایش، نشان می‌دهد که انتقام واقعی، در گرو تغییر معادلات منطقه‌ای و حذف سلطه بیگانگان است. قرآن کریم نیز به مجازات متجاوزان اشاره می‌کند: «فَمَنْ اغْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْاِغْتَدَى عَلَيْهِمْ» پس هر که به شما تجاوز کرد، مانند آنچه بر شما تجاوز کرده است، به او تجاوز کنید. (البقره: ۱۹۴) این آیه، حق دفاع مشروع و مقابله به مثل را برای مظلومان به رسمیت می‌شناسد.

خوش‌بینی یا بدبینی افراطی؟ تدبیر در مذاکرات

در این مذاکرات که به فرمان رهبر معظم انقلاب و زیر نظر ایشان در حال انجام است، باید از خوش‌بینی و بدبینی افراطی پرهیز کرد. این مذاکرات، برخلاف موارد قبلی، در دل جنگ و براساس شروط ایران به عنوان طرف غالب و پیروز دنبال می‌شود. این بار، دشمن است که باید برای رسیدن به توافق، امتیاز بدهد.

قرآن کریم در مورد اتخاذ رویکردی متعادل در مواجهه با دشمن می‌فرماید: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» از رحمت خدا مأیوس نشوید. (الزمر: ۵۳) و همچنین «وَلَا تَهْطُوا فِي اتِّبَاعِ الْقَوْمِ إِنَّ تَوَكُّوْهُمُ ثَالِثُوْنَ فَإِنَّهُمْ يَمُلَّوْنَ كَمَا تَالَمُّوْنَ وَتَرْجُوْنَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُوْنَ» و در دنبال کردن دشمن، سستی نکنید. اگر شما رنج می‌برید، آنان نیز همان‌گونه که شما رنج می‌برید، رنج می‌برند و شما از خدا چیزهایی را امید دارید که آنان امید ندارند. (النساء: ۱۰۴) این آیات، بر لزوم حفظ امید و تلاش مستمر تأکید دارند.

حمایت قاطع ملت از مذاکره‌کنندگان و حداکثری کردن مطالبات در چارچوب شروط ایران و مطیع امر رهبر معظم انقلاب بودن، می‌تواند پشتوانه محکمی برای تیم مذاکره‌کننده باشد. اگرچه توافق حداکثری براساس شروط ایران، جایگاه کنسرومان را در نظم جهانی تثبیت می‌کند و اقول آمریکا و نابودی رژیم صهیونیستی را تسریع می‌بخشد، باید برای هرگونه شیطنت دشمن آماده بود و از حس پیروزی زود درس، پرهیز کرد. امید است با اتکا به خداوند متعال و رهبری داهیان رهبر معظم انقلاب، این مذاکرات به بهترین نحو به سرانجام برسد و منافع ملت ایران و مستضعفان جهان تأمین شود.